

تاریخ پزشکی در ایران باستان

مؤید رستم شهزادی

تهران

برابر یکی از کتابهای اوستا بنام سینا در فصل نهم تعداد کسانی که در بین مردم آریائی به گیاه درمانی پرداخته اند به ترتیب عبارتند از:

- ۱- وی ونگهان Wivanghan پدر جمشید پیشدادی.
- ۲- آتویه Athvieeye آت بین یا آبتین پدر فریدون پیشدادی که بعداً این دانش به فریدون پسرش منتقل شد.
- ۳- تریته Thritya یا اترط پدر گرشاسب پهلوان نامی و (ارواخشیه)^۱ نخستین داور یا قاضی آریائی.
- ۴- پوروشسپ Porushasp پدر اشوزوتست نخستین پیامبر یکتا پرستی. باز روی کتب پهلوی مانند بندهش و دینکرد و دیگر روایات باستانی اسامی دیگر پزشکان آریائی بقرار زیر است.
- ۱- هومه Haoma هوم، عابد دانشمندی در زمان منوچهر شاه پیشدادی که گیاه طبی هوم که بین هندیها به Somi Atepsin یا Aspsein معروفست کشف و بنام

خودنامزد کرد (فروردین یشت ۹۷) و این گیاه خواصی داشته شبیه به آسپرین.
 ۲ - شینا Saenai پسر اهوم ستوت که عابد و دانشمندی بوده که در محضر
 درسش روزانه صد شاگرد حضور بهم می‌رساندند که چون کلاس درسش در غار
 کوهی بوده، بعداً شاگردانش او را بنام سینامرغ یا سیمرغ نامیدند. این عابد
 دانشمند در زمان زال پدر رستم پهلوان نامی ایران می‌زیسته که در موقع وضع
 حمل رودابه مادر رستم برای نخستین بار بوسیله عمل سزارین طفل را از پهلوی
 مادر بیرون آورد. درین باره شادروان فردوسی در شاهنامه چنین آورده است:

بیامد یکی موبد چیره دست همان ماهرخ رایمی کرد مست
 شکافید بی رنج پهلوی ماه بتابید مسریچه راسربراه
 چنان بی‌گزندش برون آورید که کس در جهان این شگفتی ندید
 و بقول دکتر نجم آبادی در کتاب پزشکی در ایران باستان «بهتر است ما
 ایرانیها این عمل را بجای سزارین عمل رستمی بنامیم»^۱

۳ - به طوریکه در شاهنامه آمده در لشکر کشی کاووس شاه به مازندران
 و جنگ او با دیوسپید و کور شدن چشم سربازان ایرانی (بوسیله گاز اشک آور سیر)
 و کشته شدن دیو سپید بوسیله رستم بدستور موبدان چشم سربازان را بوسیله
 شستشوی با خون جگر دیوسپید (ویتامین A در جگر) معالجه کردند.
 ۴ - معالجه فلج دست و پای اسب شاه گشتاسب کیانی بوسیله اشوزرتشت
 از روی دانش دام پزشکی.

۵ - کشف داروی بی‌هوشی و استفاده از آن در جنگ رستم سهراب و رستم
 و اسفندیار بنام داروی هوش ربا یا نوشدارو.
 افسون شاه فریدون

در خرده اوستا افسون یا اورادی کارسیده که نشان میدهد در ایران باستان
 مثل آنچه امروز در بین عوام مصطلح است هر دردی را بنام باد ویژه‌ای خوانده که
 عبارتند از: سردباد، گرم باد، سرخ باد، سفیدباد، شل باد، کورباد، پلشت باد،

ماشوله باد، زشت باد، سیاه باد، و بالاخره هفتاد و دورنگ باد و بسیاری از ناخوشی ها را در اثر چشم بد بنامهای سیاه چشم، سفید چشم، سرخ چشم، سبز چشم، کوز چشم، زنان چشم، مردان چشم، میخواند، و اساس و بنیاد این افسونها را به جمشید جم و کاوس کی و فریدون گاودایه نسبت میدهند.

باز در این افسون رگهای بدن آدمیان را به سیصد و شصت و شش، استخوانها را به چهار صد و چهل و چهاره پاره و اندامهای بدن را به هفت اندام فرض می کند و در پایان برای ایجاد امید بهبودی و تلقین در بیمار، موبد در حالیکه برگهای ریز آویشن و دانه های جو بر سر و تبش مریض میپاشد می سراید:

بنام ایزد - بفرمان ایزد - بنام نیک فریدون گاودایه - سرخ باد براو، سفید باد براو، سرد باد براو، گرم باد براو، مثل باد براو، کور باد براو، هفتاد و دو رنگ باد براو، از سراپایش، تابگردنش، تابه تنش، تابرویش، تابدوشش، تابه ۳۶۶ رگش، تابه ۴۴۴ پاره استخوانش، تابه هفت اندام تنش، برو که اینجا جای تونیست، از تن و جان فلان فرزند فلان برو مسیح بستم، درج بستم، مباحه و جادو و پیری بستم همادرد و درنج از تن فلان بن فلان بستم بنام ایزد بفرمان ایزد، بنام نیک فریدون گاودایه، بنام ستارگان هفتورنگ، بنام و تند ستاره، بنام ستاره اورمزد بستم که بسته باد.

ولی بقول شاعر:

هر که امید به بهبود داشت خواندن ورد و دعا سود نداشت

اردیبهشت یشت

در اردیبهشت یشت پزشکان را به چهار گروه تقسیم میکند:

- ۱ - اشو پزشک. پزشکانی اند که بامراعات آشوتی و پاکیزگی و طهارت و پاک محیط زیست از شیوع امراض جلوگیری می کردند.
- ۲ - دادپزشک، یا پزشک قانونی. اداره این پزشکان بنام زاد و مرگ یعنی اداره مولودین و متوفیات خوانده می شد و وظیفه آنان ثبت نام کودکان نوزاد و صدور حکم کفن و دفن مرده پس از معاینه بوده است.

۳- کاردیزشک = جراح. مانند جراح معروف ایران باستان بنام سینا که با عمل رستمی وی را بدنیا آورد.

۴- گیاه پزشکی. که تا امروز ادامه داشته و در هند بنام آیودودیک معروفند.

۵- مانتره پزشکی یاروان درمانی. نظیر آنچه درافسون شاه فریدون شرح داده شده مانتره یعنی منش انگیز یا تلقین کننده.

تعالیم اشوزرتشت درباره مراعات بهداشت یارشوئی.

دراوستا آمده که: راه خوشبخت زیستن درجهان یکی است و آن اشوئی است

اشوئی یا پاکی و پارسائی دارای دو جنبه است ۱. آشوئی یا پاکی تن ۲. آشوئی یا پاکی روان

۱- پاکی تن یعنی مراعات پاکیزگی تن و جامعه و خانه و محیط زیست یا پاک نگه داشتن آتش و آب و هوا و خاک.

۲- پاکی روان یعنی اندیشه و گفتار و کردار آدمیان باید پاک باشد که مراعات آن باعث حفظ اجتماع خواهد بود.

هرودت مورخ معروف یونان باستان می نویسد: ایرانیان چون آب رامقدس می دانند آنرا با نجاسات آلوده نمی کنند و در آن ادرار و آب دهان و بینی نمی ریزند. دراندرزگاه زرتشتیان آمده: آتش که اندرخانه مهر و آشوئی رانماینده است گرمای دارید و هیزم تر و دود زاپلشت و بد بو بر آن ننهید تا هوا آلوده نشود.

آب که شوه (سبب) خرمی و آبادانیست هرآبی پاک دارید. پلیدی و نسا^۱ اندرآب روان میفکنید. تن و جامه درآب روان مشوئید. کاریز^۲ کنید و زمین خشک را برومند سازید و آنرا پیوسته پاک و آبادان دارید. خانه و ده و شهر و کشور را انز نسا و پلشتی بزدائید. آب آرمیشت و ایستاده خشکانید و جایش کشتزار کنید. دارو درخت افزائید. درخت جوان مبرید، برو میوه نارسیده مچینید، دارو و درمان به ارزانیان^۳ دهید و دردمندان و افتادگانرا پرستارید^۴.

۱- چیزهای ناپاک

۲- قنات

۳- مستحقان

۴- باشید

باز برای حفظ پاکی هوای خانه در ایران باستان از وظایف عمده زنان رفت و روب خانه و کوچه و آب پاشی آن و دود کردن اسفند و کندر که یکی از وسایل ضد عفونی کننده بشمار می آمد بود که به وسیله دود آن مگس و پشه و حشرات دیگر دفع میگردند.

۳- در دین زرتشتی جسد مرده و هر چه از بدن جدا شود ناپاک و نسا شمرده می شود و حمل جسد مرده و تماس با آن تنها وظیفه مرده شویان و مرده کشان بود که آنان هم پس از انجام وظیفه موظف بودند تن و جامه خود را خوب شسته لباس دیگر بپوشند.

۴- ایجاد نشو و خانه‌ها یا قرنطینه در مرزهای کشور بویژه هنگام شیوع بیماریهای عفونی و واگیر و ممانعت از ورود مسافران بداخل پس از دود دادن البسه و اثاثیه آنان با دود چوب کال و اسفند و کندر و متوقف کردن آنان در مرز بمدت حداکثر ۹ روز بود.

۵- استفاده عموم مردم از ضد عفونی کننده دهان و معده بوسیله خوردن جوشانده سیر و سداب و سرکه چندین بار در روز و پاشیدن سرکه در محل یا اطاقیکه یکی از افراد خانه در اثر بیماری واگیردار در گذشته بود.

آیات اوستا راجع به بهداشت تن و روان

دراوستا آمده: مراعات بهداشت برای مردم از گاه تولد تا پس از مرگ از واجبات زندگانی است و یکی از وظایف گروه اشوپزشک آموزش اصول بهداشتی و نظارت در مراعات آن بوسیله مردم بوده.

در وندیداد یکی از کتب فقهی در ایران باستان آمده که پس از جدا شدن روان از تن آدمی شیاطین و دیوان مانند کرکسها به بدن مرده حمله کردن و با ریختن تخم بیماری و درد بدن را آلوده میسازند ازین روی هر کسی حق ندارد با تن مرده در تماس باشد زیرا بیم گرفتار شدن به آن ناخوشی در کار است.

۶- در زمان ساسانیان در شهر گندی شاهپور دانشگاهی ساخته شد که از جمله علوم دیگر دانش پزشکی که مجموعه‌ای از دانش هندی و چینی و رومی و ایرانی عصر بود و در آن تدریس میشد که بعد از اسلام به بغداد و دیگر شهرهای ایران منتقل گردید و دانشمندی چون ابن سینا و رازی و غیره ماحصل آن علوم

بودند.

۷- در فرهنگ ایران باستان جسم آدمی از چهار عنصر آتش و آب و هوا و خاک ترکیب شده که پس از مرگ هر عنصری باصل خود برمیگردد و تنها روح است که چون لایتجزا بوده باقی میماند و مراحل زندگانی بعدی را طی میکند. برابر فروردین یشت اهورامزدا روح را که قبل از جسم آفریده بود و در ملکوت آسمانی (عالم فروهران) قرار داشت ابتدا بکالبد جمادی وارد کرد تا پس از کسب تجربه و ترک کالبد جمادی بعالم نباتی درآید و در آن عالم نیز پس از کسب تجربیات لازمه بعالم حیوانی و انسانی و آنگاه بعالم ایزدان و امشاسپندان درآمده و در پایان به اصل خود که اهورامزدا باشد باز خواهد گشت.

فیلسوف و دانشمند ایرانی مولوی در مثنوی خود این جریان حیات را اینچنین بشعر آورده:

از جمادی مُردم و نامی شدم و ز نام مُردم بحیوان سرزدم
 مُردم از حیوانی آدم شدم پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم
 و شکل فروهر یا مرد بالداریکه نقش پرچم پادشاهان ماد و هخامنشیان بوده
 همین جریان پیشرفت ماده و روح را در طی دوران مختلف و زندگی تا رسیدن به
 درجه کمال یعنی بازگشت همه باصل خود نشان میدهد.
 در ادبیات بعد از ساسانیان در اندرز اورمزد به اشوزرتشت نیاکان، بشعر
 چنین آورده‌اند:

«ای زرتشت بفرمای تا مردمان زمین - نگردند گاهی پی آژوکین - زمانه
 بشادی بسر آورند - اشوئی و پاکی به برآورند - نگویند دشنام و یاوه سخن -
 به بندند از ژاژ گفتن دهن - نسازند آب و زمین رازبون - ز شوخ و پلشتی و از چرک
 و خون - هر آنکس که آباد دارد زمین - به بخشد گناهِش جهان آفرین.
 پس ای ایرانی بقول حافظ شیرین سخن:

اندرز پیر می‌کده با جان و دل بخر گفتار او صفای دل وره‌گشای ماست
 خواص نور خورشید در تصفیه خانه و محیط زیست در خورشید نیایش
 و خورشید یشت متذکر گردیده‌است.

آیدون باد.